

آیین‌های شب یلدا در فرهنگ مردم ایران

الهه شایسته‌رخ^۱

چکیده

در فرهنگ مردم ایران فصل سرد زمستان، با آیین یلدا آغاز می‌شود که بهانه‌ای برای ابراز شادی و محبت به اعضای خانواده و خویشاوندان است. مطالعه و بررسی کیفیت برگزاری این آیین به همان شیوه‌ای که در فرهنگ مردم ایران وجود داشته است و چگونگی گذران وقت در دوره‌ای که رسانه‌ها همچون امروزه توسعه نیافته بود، نشان می‌دهد که صلح‌رحم، تکریم بزرگان، تلاوت قرآن و دعا و مناجات، قصه‌گویی به منظور افزایش آگاهی کودکان و نوجوانان، کتابخوانی و شاهنامه‌خوانی، از عناصر متعدّد و کهن این آیین به‌شمار می‌روند. تأکید بر سنت‌های پسندیده یلدا بدان دلیل است که غفلت از کارکردهای مهم و تأثیرگذار این آیین خانوادگی و شیوه صحیح و سنتی اجرای آن، نسل‌های آینده را از دانستن و شناخت صحیح بازمی‌دارد. بدیهی است ارائه قابلیت‌های شادی‌آفرین و امیدافزای آیین یلدا در محتوای فیلمنامه‌ها، به تصویر کشیدن عناصر و اجزای متعدّد آیین یلدا در مستندهای فاخر و ساخت نمایش‌های رادیویی، فیلم‌های داستانی و سینمایی فاخر و جذاب با معرفی و شناساندن عناصر مغفول آیین یلدا از ضروریات فرهنگی امروز به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: شب یلدا، شب چله، شب‌نشینی شب چله، آیین‌های یلدا، آیین‌های

پاییزی، بازی‌های شب یلدا

مقدمه

پایان فصل خزان و آغاز سپیدی زمستان را ایرانیان از دیرباز با جشنی به شکوه مهربانی و عظمت مهرورزی در شبی که به بلندای آن شبی نیست، گرامی می‌دارند. ایرانیان شب سرد یلدا را به امید دیدار خورشید درخشان، با شادمانی به صبح می‌رسانند تا استقبالی با مهر و عطف از مهر فروزان هستی داشته باشند. یلدا، آیینی ملی است که با گذر زمان سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده و مشخصه‌های ارزشمندی در فرهنگ عامه بر جای گذاشته است. ویژگی‌هایی که اگر خوب مطالعه و شناخته شوند می‌توانند محمل مناسبی برای بیان معانی و معارف والای دینی و انسانی باشند. معیارهای زیباشناختی فرهنگ عامه در خلال اجرای آیینی تقویت می‌شود. بازخوانی و بازسازی آیین‌های شب یلدا و ترویج سلیقه و ذائقه فرهنگی نهفته در لایه‌های آن، جز در قالب اجرای بخشی از یک آیین ماندگار و دیرینه امکان‌پذیر نیست. مطالعه و مشاهده برخی از اعمال و آداب و رسوم این شب نشان می‌دهد چگونه فرهنگ عامه با تمسک به آیین شب چله معانی و در برخی موارد معارفی را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کند و بر روی آن تأثیر می‌گذارد.

آیین یلدا (یا شب چله^۱)، آیینی خانوادگی است و گردهمایی این آیین به خویشاوندان و دوستان نزدیک محدود می‌شود. دیدار آشنایان و بزرگان فامیل، تحکیم پیوندهای خانوادگی و حفظ روابط خویشاوندی، سنتی الهی و وظیفه‌ای اخلاقی است که در آموزه‌های دینی از آن به «صله رحم» تعبیر و موکداً به ادای این فریضه سفارش شده است. با استناد به روایتی از پیامبر اکرم ﷺ برکت عمر و روزی وسیع، بشارتی است برای آنان که صلّه رحم به جای می‌آورند.

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ.

«هر که خوش دارد روزی‌اش زیاد شود و مرگش به تأخیر افتد، صلّه رحم کند.»

(محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴: حدیث ۷۰۵۰)

۱. به آن دلیل که نخستین شب چله بزرگ زمستان است.

آیین‌های شب یلدا در فرهنگ مردم ایران ❖ ۱۱

شب‌های زمستان، فرصت فراغت مناسبی برای برگزاری مهمانی‌های شبانه است، بویژه شب‌نشینی در شب یلدا، به عنوان یک رفتار آیینی از سالیان دور تا امروز، برقرار مانده است.

شب یلدا، آیینی است که مبتنی بر حضور اعضای خانواده در کنار یکدیگر و دیدار با خویشاوندان است. تکریم بزرگان، هدیه دادن، توجه به کودکان و نوجوانان، قصه‌گویی، کتابخوانی، شاهنامه‌خوانی، تفأل، خوردن میوه و آجیل، ادای نذر و قربانی و بازی‌های گروهی از عناصر متعدد این گردهمایی دیرینه خانوادگی است که گذران وقت شب‌نشینی یلدا را با کیفیتی بهینه همراه ساخته است. در نوشتار حاضر به برخی از این عناصر پرداخته می‌شود.



آیین‌های شب‌نشینی شب یلدا

شب‌نشینی و شب‌زنده‌داری در بزرگ‌ترین و درازترین شب سال، در بین ایرانیان رسمی دیرینه است؛ هر چند شب‌نشینی مختص شب یلدا نبوده و بویژه در گذشته، شب‌های زمستان - فصل اتمام کار کشاورزان - فرصت خوبی برای دیدار دوستان و آشنایان به حساب می‌آمده است.

دیدار آشنایان در شب‌نشینی آیین ایرانی یلدا، گواه آن است که باورها و آیین‌های مردم ایران بسیار متأثر از آموزه‌های دینی همچون تأکید بر صله رحم است. این تأثیرپذیری تا بدانجاست که مردم چهارطاق خمین با این باور که شب‌نشینی و دیدار خویشاوندان و دوستان جزو عمر آدمی به شمار نمی‌آید، به ملاقات یکدیگر می‌رفتند. (فولادی و دیگران، خمین، ۱۳۷۹)

بدیهی است این باور متأثر از روایتی از پیامبر اکرم ﷺ است که در آن صله رحم سبب افزایش طول عمر و تأخیر در مرگ بیان شده است. (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: حدیث ۷۰۵۰)

پیوند آیینی شب یلدا با عید نوروز و تشابهات این دو آیین ملی در خور توجه است. حضور اعضای خانواده در خانه، برگزار نشدن مراسم جشن و سرور در خانواده‌های عزادار، خانه‌تکانی، استفاده از پوشاک نو و مهم‌تر از همه دیدار بزرگ فامیل از عناصری است که پیوند این دو آیین را به‌وضوح به نمایش می‌گذارد. در فرهنگ مردم بر حضور اعضای خانواده در کنار یکدیگر و دیدار آشنایان در این شب تأکید شده است، چنانچه در گذشته حتی کسانی هم که به مسافرت رفته بودند، برای شب یلدا به خانه و کاشانه خود بازمی‌گشتند که مبدا تا پایان سال را در سفر و دور از خانه و خانواده به‌سربرند. (احمدی، دست‌چرده، ۱۳۶۸/ عبدالله‌پور، تکاب، ۱۳۴۶)

همچنین پیوند مهرورزانه خویشاوندان با یکدیگر زمینه‌ساز روابط محبت‌آمیز و به دور از قهر و کینه است. در روزگار کنونی، با وجود وسعت ارتباطات انسانی، روابط خویشاوندی همچنان اهمّیت ویژه‌ای دارد. بازتاب چنین روابطی، نزدیک شدن دل‌ها به یکدیگر، استحکام پیوندهای عاطفی، رفع کدورت‌ها و خصومت‌ها و ایجاد آرامش روحی و روانی است. در دیدارهای خانوادگی، خویشاوندان، فرصتی می‌یابند تا یار خاطر یکدیگر باشند و بار غم و اندوه و مشکلات را از شانه‌های یکدیگر بردارند.

رفع کدورت‌هایی که گاه پیوندهای خانوادگی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و سبب گسسته شدن روابط محترمانه و محبت‌آمیز خویشاوندی شده است، نزد خدای تعالی جایگاه والایی دارد.

پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرموده‌اند:

صِلْ مَنْ قَطَعَكَ وَ أَحْسِنِ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ قُلِ الْحَقَّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ. «با خویشاوندی که از تو بریده، پیوند برقرار کن و به آن کس که به تو بدی کرده است، خوبی کن و حق را هر چند به زیان خود، بگو.» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴: حدیث ۷۰۶۱)

حضرت زین‌العابدین علیه السلام، نیز بر صله رحم و رفع کدورت‌های خانوادگی تأکید ویژه‌ای داشته‌اند:

مَا مِنْ خُطْوَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ خُطْوَتَيْنِ: خُطْوَةٍ يَسُدُّ بِهَا الْمُؤْمِنُ صَفَاً فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ خُطْوَةٍ إِلَى ذِي رَحِمٍ قَاطِعٍ.

«هیچ گامی نزد خدای عزّ و جلّ محبوب‌تر از دو گام نیست؛ یک، گامی که مؤمن با آن در راه خدا صف جنگ می‌بندد و گامی که برای پیوند با خویشاوندی برمی‌دارد که قطع رحم کرده است.» (همان، حدیث ۷۰۶۶)

در فرهنگ مردم ایران شب یلدا فرصت مغتنمی است برای رفع کدورت‌ها و برقراری ارتباط دوستانه و سرشار از عاطفه و محبت با دوستان و آشنایان.

مردم زاهدشهر فسا بر این باور بودند که شب یلدا را خداوند برای دیدار اقوام و آشنایان مقرر کرده است تا چنانچه کدورتی وجود دارد، برطرف شود؛ بدین منظور طرفین دعوا را همان شب به منزل ریش سفید و بزرگ خانواده دعوت و صلح و آشتی بینشان برقرار می‌کردند. (هاشمی‌زاده، فسا، ۱۳۸۱)

در اقلید فارس نیز افرادی که بین آنها کدورتی ایجاد شده و روابطشان قهرآمیز بود، در این شب با هم آشتی می‌کردند و کینه‌ها را دور می‌ریختند. در این حالت، شادی و نشاط خانواده‌ها در آن شب دو چندان می‌شد. (ثابت‌اقلیدی، اقلید، ۱۳۷۳)

در نورآباد ممسنی نیز خانواده‌ها هر آنچه در توان داشتند به کار می‌بستند تا شبی خوش و به دور از هرگونه نگرانی و ناراحتی را سپری کنند و به امید آنکه تا یلدای سال بعد همچنان شادان و خندان باشند، تلاش می‌کردند که در این شب نزاع و رنجوری در میانشان نباشد. (طباطبایی، ممسنی، ۱۳۸۵) برقراری صلح و آشتی مابین طرفین دعوا، فرصت را برای گذران وقت به بهترین کیفیت فراهم می‌کرد.

در این شب علاوه بر همنشینی، آیین‌های دیگری همچون تلاوت قرآن، قصه‌گویی، شاهنامه‌خوانی، آوازخوانی و سایر آیین‌ها نیز به اجرا درمی‌آید که در ادامه به متداول‌ترین این آیین‌ها اشاره می‌شود:

۱. تلاوت قرآن

مراسم تلاوت قرآن در شب یلدا و شب زنده‌داری این شب در مزرعه شیخ فاضل فریدون‌شهر درخور توجه است. اغلب مردم در این روستا اول زمستان را ختم می‌گرفتند؛ ختم هم بدین صورت بود که یک نفر، تعدادی از همسایگان خود را دعوت می‌کرد و افراد زمانی که به خانه او می‌رفتند، سوره مبارکه «انعام» را تلاوت می‌کردند. تعداد این افراد معمولاً فرد بود، ۹ یا ۱۱ یا... پس از آن سؤالاتی مطرح می‌کردند که بچه‌ها بتوانند به آن جواب دهند و جایزه بگیرند. گاه جایزه یک جلد کلام‌الله مجید بود. رقابت بچه‌ها در پاسخ به سؤالات مسابقه شبی خوشایند را



برایشان رقم می‌زد. (احمدی، فریدون‌شهر، بی‌تا)

۲. قصه‌گویی

در دامغان، شب‌چله، همسایه‌ها در منزل یکی از بزرگان محل، شب یلدا را جشن می‌گرفتند (مرواری، دامغان، ۱۳۵۲) یا به منزل پدربزرگ و مادربزرگ خود می‌رفتند و تا پاسی از شب به قصه‌ها و داستان‌های آنها گوش می‌کردند. (شامانی، دامغان، ۱۳۸۳) در لقمجان لاهیجان نیز بزرگ‌تر مجلس که تجربه بیشتری داشت برای بقیه قصه نقل می‌کرد. (حسینی لقمجان، لاهیجان، ۱۳۵۶) مردم اهر ارسباران نیز در شب چله به خانه همسایگان و خویشاوندان می‌رفتند و پس از خوردن شب‌چره، نقل و داستان‌گوی حاضر در مجلس

داستان‌هایی از شاه اسماعیل، کر اوغلی (kor oqli)، کچل عیار و کچل حمزه نقل می‌کرد و در مقدمه داستان، با ابیات زیر شنونده را تهییج می‌کرد تا با دقت و اشتیاق به داستان گوش دهد:

tapa lardan yel kimin	تپه لردن یل کیمین از کوه‌ها به مثل باد
dara lardan sel kimin	دره لردن سل کیمین از دریاها به مثل سیل
bâdi sarsar kimin	بادی صرصر کیمین به مثل باد صرصر
âji biyânâ, širin biyânâ	آجی بیانا، شیرین بیانا تلخی به یک طرف، شیرینی به یک طرف
qurbâqinân tusbâqâ	قورباغینان توسباغا قورباغه و لاک‌پشت
getdi kabin kasmâqâ	گتدی کبین کسماغا رفتند تا عقد کنند
gâmiš pâlâz burundi	گامیش پالاز بوروندی گاو میش هم پلاس پوشید
getdi qulâq âsmâqâ	گتدی قولاق آسماغا رفت تا گوش بدهد
ayyâm ayyâmidi	ایام ایامیدی زمان زمانی بود که
serçe pahlavâ bidi	سرچه پهلوا بیدی گنجشک پهلوان بود (دوستی، اهر ارسباران، ۱۳۵۵)



۳. کتابخوانی و شاهنامه‌خوانی

در دست‌نوشته گلپایگان یکی از کارهایی که در شب‌نشینی شب چله آغاز و تا اوایل اسفند ادامه می‌یافت، پرده‌خوانی و شاهنامه‌خوانی بود؛ اول مجلس با نام حضرت علی علیه السلام و پایان آن نیز با نام آن حضرت بود. (احمدی، دست‌نوشته، ۱۳۸۱) در شهرضا نیز یک نفر با صدای بلند برای جمع حاضر در شب‌نشینی، کتاب می‌خواند. اغلب نیز کتاب‌های شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، امیرارسلان، حسین کرد، فلک‌ناز، خورشید آفرین، حیدربیک و چهل طوطی خوانده می‌شد. (مساعی، شهرضا، ۱۳۵۴) در قروه کردستان پس از خوردن شب‌چره و اجرای بازی‌های محلی، نقال شروع به خواندن قصه‌هایی از شاهنامه، امیرارسلان رومی، کُر اوغلی، کرم و اصلی و حسین کرد می‌کرد و در مدت نقل نیز که تا بانگ خروس ادامه می‌یافت، هیچ کس حق حرف زدن نداشت و اگر کسی خلاف این قانون، عمل می‌کرد، جریمه او تحویل یک رأس بزغاله و مانند آن بود. (عسگری، قروه، ۱۳۶۸)

بهترین بزم و بهترین لذت در سرتاسر لرستان، شاهنامه‌خوانی بود. نقال پیش از اینکه شروع به نقل داستان کند، معمولاً این سه بیت را می‌خواند:

به نام خدایی که جز آن خدا	پرستیدن کس نباشد روا
خدایی که این خیمه آفتاب	برافراشته بی‌ستون بی‌طناب
هر آن کس که شهنامه‌خوانی کند	اگر زن بود، پهلوانی کند

پس از خواندن این ابیات، دیگر کسی حرف نمی‌زد و همه خاموش می‌نشستند. (یاراحمدی، خرم‌آباد، ۱۳۴۷)

در چهارطاق خمین کتاب‌های دیگری که غیر از شاهنامه خوانده می‌شد، عبارت بودند از: چهل طوطی، الف و لیل، هفت پیکر، موش و گربه، اسکندرنامه، گلستان و بوستان سعدی، دیوان حافظ شیرازی، فایز دشتستانی، قصص الانبیا، تذکره‌الاولیا، مثنوی معنوی، بهرام و گل‌اندام، کلیله و دمنه، امیرارسلان، فلک‌ناز، حسین کرد، رستم‌نامه، حیدربیک، رموز

حمزه، حمله حیدری، شیرویه، شیرین و فرهاد، موسی و شبان، باباطاهر، خیام، علی‌بابا و چهل دزد، هبوط آدم. (فولادی، خمین، ۱۳۷۹)

در تاکستان نیز علاوه بر شاهنامه، چهار درویش و چهل طوطی و مصائب خامس آل عبا نیز خوانده می‌شد. (صفری، تاکستان، ۱۳۵۱) بخش‌هایی از نهج‌البلاغه، زندگانی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، کتاب‌های روضه‌خوانی و نیز جامع‌التمثیل از جمله کتاب‌های دیگری بوده که در کاشمر، در شب چله خوانده می‌شد. (کریمی فروتقه، کاشمر، ۱۳۸۱)

در ولمرز تنکابن نیز کتاب‌های امیرارسلان و حسین‌کرد خوانده می‌شد. (صالحی، تنکابن، ۱۳۵۶) در رامهرمز نیز اغلب بزرگ‌ترها، قصه‌ها و داستان‌های شیرین عاشقانه همچون لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین و خسرو و شیرین را نقل می‌کردند و برخی هم از شاهنامه فردوسی و دلاوری‌های رستم و دیگر پهلوانان ایران سخن به میان می‌آوردند و آنهایی که صدای خوبی داشتند، شاهنامه را به آواز بلند می‌خواندند و همچنین از زندگانی حضرت محمد ﷺ و حضرت علی (ع) و جنگ‌های ایشان با کفار و دلاوری‌های امیرالمؤمنین (ع) در رویارویی با پهلوانان عرب، داستان‌ها می‌گفتند. (شیخی، رامهرمز، ۱۳۵۲) خواندن فلک‌ناز و شاهنامه در شهرستان سلسله لرستان نیز معمول بود، (نیکورنگ، سلسله، ۱۳۵۴) در سقز نیز داستان‌های خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، خورشید و خاور، خاتوزین و کاکه مد که منظوم و به زبان کردی بوده، خوانده می‌شده است. (فاروقی، سقز، ۱۳۴۸)

در کاشمر نیز دیوان حافظ، طوفان کربلا، مختارنامه، امیرارسلان، امیرحمزه و یوسف و زلیخا رونق داشت و آغاز کتابخوانی اگرچه در شب یلدا بود، اما ادامه آن در شب‌های بعد، بخشی از شب‌نشینی مردم را به خود اختصاص می‌داد. (کریمی فروتقه، کاشمر، ۱۳۸۶)

در ابراهیم‌آباد زیدر شاهنامه، مختارنامه، تحفه‌المجالس، خضر و الیاس، امیرارسلان نامدار، حسین‌کرد و افسانه‌هایی همچون سعد و سعید خوانده می‌شد. (رحمتی، شاهرود، ۱۳۸۷)

کتابخوانی ویژه شب چله بیشتر در گذشته و زمانی بود که رادیو و تلویزیون همچون امروز بر زندگی مردم سیطره نیافته بود. خواننده کتاب، پایان شب‌نشینی شب یلدا را در دستجرده گلپایگان این گونه اعلام می‌کرد:

هر نیک و بدی که در کتاب است بر هم بزیند که وقت خواب است

(احمدی، دستجرده، ۱۳۸۱)

۴. آوازخوانی

در روستای چهار طاق خمین در شب یلدا تمام اقوام و خویشاوندان در خانه یک نفر از اقوام گرد هم می‌آمدند و هر کس تدارک شب یلدای خود را به آنجا می‌برد و در سفره یلدای صاحبخانه می‌گذاشت. وقتی سفره تکمیل می‌شد، آن را روی کرسی^۱ می‌چیدند و خود گرد آن می‌نشستند، سپس یک نفر که صدای بهتری داشت، شعر می‌خواند و بقیه هم جواب تک‌خوان (پیش‌خوان) را می‌دادند:

پیشخوان	بقیه
گردونه سال چرخیده	باز شب یلدا اومده
مادر شب‌ها اومده	باز شب یلدا اومده
هندونه از راه اومده	باز شب یلدا اومده
انجیل (انجیر) و خرما اومده	باز شب یلدا اومده

و به همین ترتیب تمام خوردنی‌های داخل سفره را می‌گفت و بقیه هم جوابش را می‌دادند. پس از آن، همه دور سفره می‌نشستند و اول هندوانه را که گل سفره بود، سپس

خوراکی‌های دیگر را می‌خوردند. (صفایی، خمین، ۱۳۵۵)

در دولتشانلوی درگز، بچه‌هایی که در همسایگی هم بودند، پس از خوردن میوه‌ها و خوراکی‌ها در منازلشان، دور هم جمع می‌شدند و یک نفر نی می‌نواخت و به ترتیب هر کدام از بچه‌ها آوازی می‌خواندند؛ البته قبل از آوازخوانی، همه یک صدا می‌خواندند:

۱. در گذشته، کرسی وسیله گرمایی مردم بود که لحظات خوش نشستن به دور آن را پدران و مادران و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هنوز هم به یاد دارند.

عمو چله آمد

کلاه به کله آمد

عمو چله حالتان

احوال آن کلاهتان

(علی‌زاده، درگز، ۱۳۵۳)

در کازرون نیز پیش از اینکه سفره شب‌چله پهن شود، هر کدام از پیرزنان حاضر در مجلس یک شعر قدیمی می‌خواندند. (خواجه، کازرون، ۱۳۴۷) در روستای کوهپایه‌سرا در بندپی شرقی از شهرستان بابل نیز «رَج‌خوانی» می‌کردند؛ به این ترتیب که افراد به همان ترتیبی که نشسته بودند هر کدام آواز و سرود و ترانه‌ای را به نوبت می‌خواندند. (قلندریان، بابل، ۱۳۸۱) شب‌نشینی شب چله مردم کاشمر نیز با نی‌نوازی و دوبیتی‌خوانی همراه بوده است؛ بدین ترتیب که اگر کسی نواختن نی را بلد بود، نی می‌زد و شخص خوش‌صدای مجلس نیز دوبیتی می‌خواند که به این کار «کله فریادی» (kella faryâdi) هم می‌گفتند. (کریمی فروتقه، کاشمر، ۱۳۸۵)

دوبیتی‌خوانی در لای‌بید میمه نیز انجام می‌شد، البته دوبیتی‌هایی خوانده می‌شد که مربوط به زمستان بود مانند:

زمستون آمد و بی‌توشه موندم چو گندم در میون خوشه موندم

زمستون آمد و یارم نیومد چو شیری در میون بوشه (بیشه) موندم

پری در خواب نازه وای بر من شب یلدا درازه وای بر من

تو بیدارش نکن مرغ سحرخون ز عاشق می‌گذازه وای بر من

(کریمی، اصفهان، ۱۳۵۴)

بیشتر مردم کهنک در شب چله برای مهمانی به خانه همسایه‌ها یا اقوام می‌رفتند. در این مهمانی که از سوی میزبان اعلام می‌شد، افرادی که قصه می‌دانستند، برای بقیه تعریف می‌کردند و اگر یکی از اعضای خانواده یا مهمانان می‌توانست نی بنوازد، همراه با او، فرد دیگری دوبیتی‌های مختلفی می‌خواند:

دو چشمونی به در دارم خدایا
همه گویند عزیزت کی می آید
عزیزی در سفر دارم خدایا
به دل شغل دگر دارم خدایا
(تلک آبادی، ورامین، ۱۳۵۵)

در دامغان نیز یکی از پیرمردان مجلس آواز می خواند و بقیه گوش می دادند:
کسبوتر بر لب بام شمایم
همین امشب مرا عزت بدارید
همین امشب که مهمان شمایم
خدا داند که فرداشب کجایم
(شامانی، دامغان، ۱۳۷۸)

در ابراهیم آباد زیدر شاهرود، جشن شب یلدا که در سه شب برگزار می شد، با مدیحه خوانی و ستایش مقام و مرتبه امیرالمؤمنین علی علیه السلام همراه بود. یکی از این مداحان که پیرمرد نجاری به نام «آقامحمد» بود، با آواز، داستان ملاقات حضرت علی علیه السلام و حضرت خضر را در نود بیت به تحریر کشیده است. مطلع این مدیحه چنین است:
در حدیث است که روزی علی عمرانی
آن شفیع همه خلق جهان رحمانی
(رحمتی، شاهرود، ۱۳۸۷)

۵. بازی

هر گونه فعالیت فیزیکی یا فکری، چه به صورت فردی یا جمعی به منظور گذراندن وقت، آمادگی جسمانی، تقویت حافظه و هوش و... برای رسیدن به هدفی خاص را بازی می گویند. (آنی زاده، ۱۳۸۸: ۹) بازی ها، گاه در مراسم آیینی نیز اجرا می شوند. در گذشته، بخشی از اوقات خوش فراغت شب یلدا به اجرای بازی هایی اختصاص می یافت که اولاً در فضای داخلی خانه انجام می شد و سرمایه هوا خلی در اجرای آن ایجاد نمی کرد و ثانیاً با استفاده از کمترین امکانات و ساده ترین وسایل و ابزارهای در دسترس قابل اجرا بود. شنه برکی، گونارکشی، جوراب بازی، فنجان بازی، اوزک، تخم مرغ بازی، بازی های نمایشی و کلامی از مهم ترین بازی هایی بود که در چنین شبی اجرا می شد. در ادامه، تعدادی از این بازی ها به طور خلاصه شرح داده می شود:

۵-۱. شنه برکی (šona boreki)

در رازان، پس از صرف شام، نوبت به جوان‌ها می‌رسید که با اجرای بازی‌هایی به زورآزمایی پردازند. یکی از این بازی‌ها «شنه برکی» (شانه بردن) است. برای این بازی ابتدا شانه‌ای را روی زمین می‌گذاشتند و دو نفر رو به روی هم می‌نشستند. سپس یکی از آن دو، شانه را یک وجب به طرف خود می‌کشید و دوومی دست راست خود را در حالی که پنجه‌اش را روی زمین پهن کرده بود، به طور عمودی به زمین می‌زد، اولی می‌چ دست او را محکم می‌گرفت و دوومی با حداکثر توان خود رو به جلو فشار می‌داد تا رقیب را عقب براند. اگر می‌توانست در ده دقیقه یا کمتر او را به عقب ببرد و شانه را بیاورد، اولی بازنده می‌شد و اگر نمی‌توانست دوومی بازنده بود. در هر حال، جریمه بازنده، خرید شب‌چره برای دوستان حاضر بود. (یاراحمدی، خرم‌آباد، ۱۳۴۷)

۵-۲. گونارکشی (gownârkaši)

گونار تکه‌ای چوب است با اندازه‌ای حدود سی سانتی‌متر که به گاوآهن شخم‌زنی بسته می‌شد. برای این بازی دو نفر از جوان‌ها می‌نشستند و کف پاهای خود را به هم می‌چسبانند. یک نفر با دو دست وسط گونار و دیگری نیز با هر دو دست دو سر گونار را می‌گرفت و هر کدام از طرفین تلاش می‌کردند تا همدیگر را بکشند و از زمین بلند کنند، هر یک از این دو که توان استقامت در برابر فشار طرف مقابل را نداشت و از زمین بلند می‌شد، از حاضران مجلس با میوه یا شیرینی پذیرایی می‌کرد. (همان)

۵-۳. جوراب‌بازی (جورابین)^۱

جوراب‌بازی سرگرمی دیگری است که اهالی بیجار در شب یلدا و پس از آن در شب‌های دیگر زمستان انجام می‌دادند، حاضران در مهمانی و آنانکه به این بازی علاقه‌مند

۱. از بازی‌های سنتی و قدیمی است که اسباب سرگرمی مردان کرد را در بلندای شب‌های زمستان فراهم می‌کرده است. این بازی علاوه بر پرکردن اوقات فراغت، سبب تقویت قدرت تصمیم‌گیری و ایجاد روحیه همکاری و درک اهمیت مشورت می‌گردید، امروزه انجمن جوراب‌بازی نیز تشکیل شده است و این بازی همچنان طرفداران زیادی دارد.

بودند، به دو گروه مساوی تقسیم می‌شدند و هر گروه یک نفر را به عنوان سردسته انتخاب می‌کردند. یکی از سردسته‌ها (سرگروه) سکه‌ای را در زیر یک جوراب قرار می‌داد، به گونه‌ای که افراد گروه مقابل به هیچ عنوان متوجه نشوند؛ البته این کار مهارت و زبردستی فراوان می‌خواست. کار گروه مقابل آن بود که با مصلحت و مشورت سردسته، جای سکه را تشخیص دهند. این بازی مشابه بازی گل یا پوچ است؛ چرا که با اشاره به هر جوراب باید می‌گفتند که زیر آن سکه وجود داشت یا نه و به عبارتی پر بود یا پوچ. بازی به همین ترتیب ادامه می‌یافت تا امتیازات یک گروه به سقفی که تعیین کرده بودند (مثلاً ده امتیاز) برسد، آن گاه گروه بازنده با شیرینی یا شام از گروه برنده پذیرایی می‌کرد. بدین ترتیب نه تنها در مدت اجرای بازی، لحظات خوشایندی برای بازیکنان رقم می‌خورد، بلکه پایان آن نیز با کامی شیرین و چهره‌ای خندان همراه بود. (عباسی، بیجار، ۱۳۵۵)

۴-۵. فنجان‌بازی

این بازی در همدان رایج بود، برای این بازی ابتدا چند فنجان را واژگون روی زمین می‌گذاشتند و یک نفر یک عدد نخود را زیر یک فنجان به صورتی قرار می‌داد که دیگران نبینند، غیر از شخصی که نخود را زیر فنجان گذاشته بود، هر کس دیگری، فنجانی را که نخود زیر آن بود، برمی‌داشت، برنده می‌شد. شخصی که نخود را زیر فنجان‌ها می‌گذاشت، فنجان‌ها را جابه‌جا می‌کرد و نفر دوم برای بار دوم فنجانی را برمی‌داشت، اگر نخود را پیدا نمی‌کرد، بازنده و از دور بازی خارج می‌شد و باز هم فنجان‌ها را برای نفرات دیگر جابه‌جا می‌کردند؛ چرا که راز یکی از فنجان‌ها آشکار شده بود. بازی آن قدر ادامه می‌یافت تا یک نفر از میان جمع برنده می‌شد. (خضریان، همدان، ۱۳۸۷)

۶. دعا و مناجات

روزها و شب‌های زمستان، از فرصت‌های نیکو برای مناجات و عبادت است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الْشِّتَاءُ رِبْعُ الْمُؤْمِنِ، يَطْوُلُ فِيهِ لَيْلُهُ فَيُسْتَعِينُ بِهِ عَلَى قِيَامِهِ وَ يَقْصُرُ فِيهِ نَهَارُهُ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى صِيَامِهِ.»

«زمستان، بهار مؤمن است، شب‌هایش طولانی است که برای عبادت نیمه‌شب از آن کمک می‌گیرد و روزهایش کوتاه است که برای روزه گرفتن از آن مدد می‌جوید.»
مردم بسیاری از مناطق ایران نیز از فرصت بیداری شب یلدا به بهترین وجه استفاده و شب‌نشینی این شب را با تهجد و مناجات همراه می‌کردند. بدین ترتیب گاه شب‌نشینی شب یلدا تا سحرگاه ادامه می‌یافت و به مناجات، عبادت و نماز می‌گذشت (بیرانوند، خرم‌آباد، ۱۳۵۱) و دعای بزرگ خانواده بدرقه راه فرزندان و دیگر آشنایان می‌شد:
خداوندا همان‌گونه که امشب همه ما تندرست و خوشحال بودیم تا سال آینده و شب چله دیگر سالم و شاد بمانیم. پروردگارا تا سال آینده و شب چله دیگر همه بندگان خود را تندرست بدار. (جاوید، نیشابور، ۱۳۵۱) پروردگارا نعمت و روزی خود را بر ما بیشتر بگردان و به داد بیچارگان و بیماران برس. پس از دعا نیز حاضران در مجلس آمین می‌گفتند و شب‌نشینی پایان می‌یافت. (محمدی، قوچان، بی‌تا)

جمع‌بندی

یکی از مهم‌ترین دلایل غنای یلدا، آمیخته شدن آن با مفاهیم و آموزه‌های دینی است. یلدا همچون نوروز، از آیین‌هایی است که پیش از ورود اسلام به ایران نیز اجرا می‌شد و پس از ظهور آفتاب اسلام در ایران، ضمن آنکه رنگ نیاخت و از بین نرفت، در پرتو تعالیم اسلامی، رنگ و بویی تازه یافت و به حیات خود ادامه داد.
رسانه ملی با حضور چشمگیر خود در هر خانه و کاشانه می‌تواند با استفاده از قدرت و نفوذ رسانه‌ای خود و ارائه مفاهیم والا و اشاعه صحیح مضامین عالی این آیین، نقشی مؤثر در حفظ هویت و اصالت ایرانی - اسلامی یلدا و به تبع آن، باورپذیری جوانان ایفا کند؛ چرا که آشنایی با فرهنگ غنی و پرمحتوای ایرانی که آیین یلدا، یکی از عناصر آن است، می‌تواند جوانان را از وضعیت انفعالی در مقابل فرهنگ غرب خارج کند. همخوانی اهداف و رسالت‌های این آیین با افق رسانه‌ای صدا و سیما و نزدیکی و همپوشانی این دو، ضرورت بهره‌برداری اهل رسانه از انبوه معارف نهفته در این آیین و اشاعه آن در قالب پیام‌های رسانه‌ای را بیش از پیش تبیین می‌کند. بویژه آنکه شیوه اجرای آیین یلدا در روزگار پیشین الگوی مناسبی را برای زیستن شادمانه همراه با اغتنام فرصت و مدیریت زمان ارائه می‌دهد. انتقال مفاهیم و معارف این میراث گرانبها به نسل‌های جدید و نیز آیندگان از وظایف رسانه‌های دیداری و شنیداری بویژه صداوسیماست.

منابع

۱. آنی‌زاده، علی (۱۳۸۸) بازی‌های سنتی در فرهنگ مردم (بازی‌های قابل بازآفرینی لرستان برای رسانه)، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما، واحد فرهنگ مردم.
۲. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴) میزان‌الحکمه، ج ۴، قم: دارالحدیث.

فرهنگیاران

- احمدی، سیف‌الله، نقل از محمدحسین عراقی، دستجرده، گلپایگان، اصفهان، ۱۳۶۹ و ۱۳۶۸
احمدی، مالک، مزرعه شیخ فاضل، فریدون‌شهر، اصفهان، بی تا
بیرانوند، صادق، هرو، خرم‌آباد، لرستان، ۱۳۵۱
تلک‌آبادی، امیر، کهنک، پیشوا، ورامین، تهران، ۱۳۵۵
ثابت‌اقلیدی، علی جان، اقلید، فارس، ۱۳۷۳
جاوید، امیرهوشنگ، نقل از آمنه نجم‌الدین، نیشابور، خراسان رضوی، ۱۳۵۱
حسینی لقمجان، بختیار، نقل از یدالله ابراهیم‌نژاد لقمجان، لقمجان، لاهیجان، گیلان، ۱۳۵۶
خضریان، مهشاد، نقل از فاطمه زندی، همدان، ۱۳۸۷
خواجه، صمد، کازرون، فارس، ۱۳۴۷
دوستی، حسین، نقل از خدیجه راجی، اهر ارسباران، آذربایجان شرقی، ۱۳۵۵
رحمتی، حسین، ابراهیم‌آباد زیدر، شاهرود، سمنان، ۱۳۸۷
شامانی، ابوالقاسم، نقل از خانم استادی، دامغان، سمنان، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳
شیخی، حبیب‌الله، رامهرمز، خوزستان، ۱۳۵۲
صالحی، جمشید، ولمرز، تنکابن، مازندران، ۱۳۵۶
صفایی، حجت‌الله، نقل از صفرعلی صفایی، چهارطاق، خمین، مرکزی، ۱۳۵۵
صفری، میرقدیر، تاکستان، قزوین، ۱۳۵۱
طباطبائی، شکرالله، نقل از محمدقلی قاسمی و دیگران، فهلیان، ممسنی، فارس، ۱۳۸۵
عباسی، محمدسعید، تپه محمدی، بیجار، کردستان، ۱۳۵۵
عبدالله‌پور، حیدر، نقل از علی علیاری، تکاب، آذربایجان غربی، ۱۳۴۶

علی‌زاده، محمد، درگز، خراسان، ۱۳۵۳

فاروقی، بی‌نام، سقز، کردستان، ۱۳۴۸

فولادی، علی، نقل از احمد فولادی و دیگران، چهارطاق، خمین، مرکزی، ۱۳۷۹

قلندریان، سیف‌الله، کوهپایه‌سرا، بندپی شرقی، بابل، مازندران، ۱۳۸۱

کریمی فروتقه، محمد، نقل از حاج غلامرضا یعقوب‌زاده، کاشمر، خراسان رضوی، ۱۳۸۱ و

۱۳۸۵

کریمی، ابوالفضل، نقل از ابراهیم کریمی، لای‌بید، میمه، اصفهان، ۱۳۵۴

محمدی، برات، باجگیران، قوچان، خراسان رضوی، بی‌تا

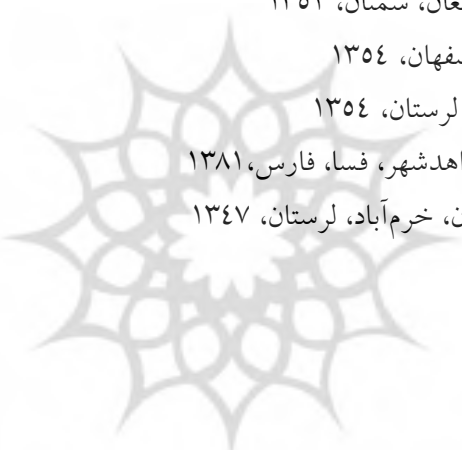
مرواری، محمدحسین، دامغان، سمنان، ۱۳۵۲

مساعی، ناصر، شهرضا، اصفهان، ۱۳۵۴

نیکورنگ، عباس، سلسله، لرستان، ۱۳۵۴

هاشمی‌زاده، علی‌محمد، زاهدشهر، فسا، فارس، ۱۳۸۱

یاراحمدی، غلامعلی، رازان، خرم‌آباد، لرستان، ۱۳۴۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی